

جنگ، هزینه‌های کلان جنگ یمن را متوقف کند و آن را برای توسعه خودش هزینه کند و گام‌های بزرگی برای توسعه کشورش بردارد. به نظر من همین آتش بس، در همین حد هم که توافق شده و جریان دارد، اقدام قابل تحسینی از سوی عربستان و هم اقدام خوبی از سوی انصارالله است. همانگونه که در قرآن آمده است: «والصلح خیر».

صلح امری مقدم بر همه چیز است. به نظر من بر خورد با کشتی‌های اسرائیلی یا کشتی‌هایی که به سمت اسرائیل حرکت می‌کنند، به معنای جنگ‌طلبی حوثی‌ها نیست بلکه به معنای تلاش برای تحت تأثیر قرار دادن وضع در غزه است که نه فقط هر مسلمان بلکه هر انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

**✚ فرمودید احتمال مداخله نظامی آمریکا، انگلیس و حتی خود اسرائیل علیه یمن وجود دارد. فکر می‌کنید این احتمال تا چه اندازه جدی است؟**

من احتمال جنگ تمام‌عیار علیه یمن را زیاد نمی‌دانم. به این دلیل که اسرائیل خودش مشغول غزه است، کرانه باختری هم در حال شعله‌ور شدن است و جنوب لبنان هم یک جبهه فعال است که از هفته پیش به تدریج داغ‌تر شده است و وضعیت خاصی در آن برقرار است. تا پیش از این حملات از لبنان در عمق ۵ تا ۸ کیلومتر انجام می‌شد، اما دوشنبه هفته گذشته اتفاق‌هایی افتاد و عمق حملات افزایش پیدا کرد. اسرائیل باید آمادگی بیشتری در جبهه شمال داشته‌باشد. در عین حال یمن به لحاظ جغرافیایی از اسرائیل فاصله دارد و وقتی فاصله جغرافیایی وجود دارد، جنگ‌افزارها کارایی گذشته را نخواهند داشت. آمریکا هم نمی‌خواهد که مستقیماً وارد نبرد با یمنی‌ها شود. همچنان که در دوران جنگ عربستان سعودی علیه انصارالله، آمریکایی‌ها به‌رغم اینکه کمک‌های اطلاعاتی و نظامی به عربستان ارائه می‌دادند، از مداخله مستقیم در این جنگی نداشت.

الان هم که مذاکرات عمان با حوثی‌ها و انصارالله در جریان است، به این دلیل است که آمریکا از جنگ اجتناب می‌کند. آمریکا احساس می‌کند که باید در منطقه آرامش بیشتری برقرار شود و واشنگتن نتواند به مسائل مرتبط با چین و خاورودر بپردازد. آنچه من می‌گویم براساس تحلیلی است که از شرایط دارم و به معنای پیش‌بینی تحولات آینده نیست، به‌هر حال سوم‌محاسبه و خطای تواند وقایع را در دریای سرخ تندتر کند. وقتی جبهه‌ها داغ می‌شود، احتمال جنگ تمام‌عیار هم وجود دارد، هم در جنوب لبنان، هم در کرانه باختری و هم در دریای سرخ احتمال شروع جنگ جدیدی وجود دارد، اما تا این لحظه، محاسبه‌های طرفین به‌گونه‌ای است که از گسترش جنگ اجتناب کنند، یکی از نکاتی که وزیر دفاع آمریکا مطرح کرده، این است که وضعیت در دریای سرخ اختصاصاً مرتبط با آمریکا نیست و موضوعی بین‌المللی است که باید کشورهای دیگر در آن مشارکت کنند و به همین دلیل هم یک ائتلاف گسترش‌تری در یابی با حضور کشورهای دیگر تشکیل داده است. همین اقدام نشان می‌دهد که آمریکایمایل به نداشتن فعال اقدام به حمله نظامی مستقیم به یمن کند، نباید فراموش کرد که آمریکا مشاهده کرده است که در جنگ عربستان در یمن، همه اشکال فشار به انصارالله تجر به شده است و بمباران گسترده، جنگ زمینی و محاصره کامل اقتصادی، باعث نشد که انصارالله از پا دربیاید. به نظر می‌آید واشنگتن تلاش خواهد کرد تا مسائل را ارائه کند. انصارالله هم به صورت پیوسته اعلام می‌کند که مسئله انسداد باب‌المنند مطرح نیست و کشتی‌هایی که به مقصد اسرائیل حرکت نمی‌کنند، قرار نیست از این موضوع نگرانی داشته‌باشند، حتی پیشنهاد داده‌اند که کشتی‌هایی که قصد حرکت به سمت اسرائیل ندارند، با پرچم و نشان مشخصی از تنگه عبور کنند، شاید چنین پیشنهادی بتواند تنش را کاهش دهد.

تردیدنی ندارم که اگر آتش‌بسی در غزه ایجاد شود، این مسئله پایان می‌یابد. هم انصارالله و هم حزب‌الله تاکید کرده‌اند که با توقف درگیری‌ها و رفع محاصره بشری غزه، باعث توقف تنش‌ها و درگیری‌ها در جنوب لبنان و دریای سرخ خواهد شد.

انتشار اخبار جنایات در غزه بیشترین فشار را به خبرنگاران وارد می‌کند و تاکنون ده‌ها خبرنگار را به قتل رسانده است. اما به‌رغم این فشارها صدای مظلومیت غزه در الجزیره پخش می‌شود، صدایی که هیچ شبکه رسانه‌ای دیگری توانایی انتشار آن را نداشت. اما واقعیت این است که به‌رغم انتشار گسترده و آگاهی از مظلومیت مردم غزه، هنوز روشن نیست چه زمانی این آگاهی به نتیجه خواهد رسید و اجازه خواهد داد تا قبل از اینکه طاقت مردم غزه به پایان برسد، این جنایات متوقف شود.

**✚ در مورد نقش ایران در اقدامات انصارالله هم صحبت‌های زیادی می‌شود. ایران هم از ابتدای جنگ غزه گفته است گروه‌هایی که در منطقه تحت عنوان محور مقاومت فعالیت می‌کنند، هر کدام خودمختار هستند و خودشان برای انجام عملیات تصمیم می‌گیرند. اما غربی‌ها ادعا می‌کنند که ایران چه از حماس و حزب‌الله و چه از انصارالله حمایت مؤثر نظامی و اقتصادی انجام داده است. فکر می‌کنید نقش ایران در عملیات یمنی‌ها چه باشد؟**

هیچ شکی نیست که روابط انصارالله یمن با جمهوری اسلامی ایران، چه از نظر سیاسی و چه از نظر پشتیبانی نظامی، اقتصادی و فناوری بسیار نزدیک است. یقیناً روابط تهران و انصارالله بسیار خوب است. اما نمی‌توان گفت که همه کارهایی که توسط انصارالله انجام می‌شود مستقیماً اجرای خواست و اراده ایران است. چنین اظهارنظری ظلم به مردم یمن است، با توجه به گرایش‌هایی که در یمن ایجاد شده است و الان هم بر بخش‌هایی از خاک یمن حاکم است، خودش عزم و اراده جدی برای مبارزه دارد. از سال ۲۰۱۳ که اعتراض‌ها در یمن شدت گرفت، موضع رسمی ایران همواره این بود که در یمن باید یک دولت فراگیر تشکیل شود که همه گروه‌ها از جمله انصارالله در حکومت آن نقش داشته‌باشند. اگر هم زمان انصارالله انحصارطلبی کند و اجازه مشارکت گروه‌های دیگر در قدرت را ندهد، تهران مخالفت خواهد کرد. در مجموع اینکه کارهای انصارالله را یک‌سره به ایران نسبت بدهیم، ظلم به مردم یمن و عاملیت آنها است. تردیدی نیست که ایران در توانایی آنها تأثیر داشت اما هر گروهی و هر حکومتی مسئول اقدام‌های خودش است و اگر از جای دیگری تشویق شود، باعث نمی‌شود که مسئولیت از آن گروه و حکومت سلب شود. در عین حال در محافل بین‌المللی ایران همواره اعلام کرده است که تصمیم‌گیری‌های گروه‌های منطقه بر عهده خودشان است. حتی برخی مقام‌های ایرانی به‌گونه‌ای اظهارنظر کرده‌اند که گویی انتظار داشتند که حزب‌الله لبنان و انکش تندتری به جنگ غزه نشان بدهد، ولی حزب‌الله الان نمی‌خواهد لبنان را به یک جنگ تمام‌عیار بکشاند، مگر اینکه اسرائیل براساس برنامه‌ها و نقشه‌های خودش حزب‌الله را مجبور به ورود به جنگ کند.

**✚ بعضی‌ها تحلیل‌گران غربی می‌گویند که با توجه به اینکه یک سال و نیم از آتش‌بس میان عربستان سعودی و انصارالله در جنگ یمن می‌گذرد، انصارالله برای حفظ قدرت خودش و جلب رضایت شهروندان یمنی که تحت حاکمیت این گروه زندگی می‌کنند، نیاز به جنگ دارد و با این انگیزه اقدام‌های خود را در دریای سرخ انجام می‌دهد. نظر شما در مورد این تحلیل چیست؟**

نه! به نظر من اینطور نیست. هیچ کشوری در جنگ آید نمی‌شود. هر گروهی در یک کشور به قدرت برسد، نخستین دغدغه‌اش باید توسعه و رفاه شهروندان باشد. توسعه در جنگ صورت نمی‌گیرد و پایه‌های توسعه در صلح ایجاد می‌شود. انصارالله هم باید در فکر صلح باشد. اما وقتی حداقل‌ها تأمین نشود، امکان صلح پایدار هم از بین می‌رود. برای مثال می‌بینیم که در یمن هنوز یک قرارداد صلح پایدار میان عربستان و انصارالله امضا نشده است، هر چند نوعی آتش‌بس میان دو طرف وجود دارد اما مذاکرات صلح در عمان هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. گرایش عربستان این است که بعد از نزدیک به ۸ سال

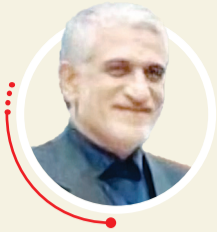
**✚ بیش از ۵۰ کشور و دولت اسلامی در جهان هستند. چرا دولت‌های اسلامی که برخی از آنها قدرت‌های نظامی هم محسوب می‌شوند، هیچ واکنش عملی مشابه انصارالله به جنایات‌های اسرائیل نشان نمی‌دهند؟**

کشورهای اسلامی اتحاد و انسجامی ندارند و یک دستگاه منسجم و متحد برای واکنش و اقدام اجرایی وجود ندارد. سازمان همکاری اسلامی نهادی است که بیشتر بیانیه و قطعنامه صادر می‌کند و هیچ توان اجرایی ندارد. حتی سازمان ملل متحد هم که تا حدی برخی از احکامات ضمانت اجرایی دارد، از واکنش به رویدادهای غزه ناتوان است و شورای امنیت هم به دلیل ونوی آمریکا از تصمیم‌گیری عاجز است. کشورهای مختلف هم هر یک ملاحظات خاص خودشان را دارند. کشورها به مصر فشار وارد می‌کنند تا دست کم دسترسی به غزه را میسر کند، اما قاهره هم همچنان بر قراردادهای پیشینش با اسرائیل یافشاری می‌کند و به‌رغم اینکه بیش از یک‌دهه است اسرائیل از نوار غزه و آن سوی گذرگاه رفح خارج شده است، اما مصری‌ها اصرار دارند که برای عبور و مرور یک تانکر آب آشامیدنی یا دارو هم از اسرائیل مجوز بگیرند. مصری‌ها می‌گویند نمی‌توانند با این وضعیت اقتصادی و فشاری که تحمل می‌کنند، وارد درگیری با آمریکا و اسرائیل شوند و به همین دلیل سعی می‌کند همدلانه کارهایی را که از دستش بر می‌آید، انجام دهد.

**✚ من سوالم را بار دیگر تکرار می‌کنم؛ چگونه است که مصر به‌عنوان بزرگ‌ترین ارتش عربی نمی‌تواند اقدامی انجام دهد، اما انصارالله به‌عنوان یک گروه در فقیرترین کشور عربی می‌تواند واکنش عملی در مقابل اسرائیل نشان دهد؟**

ارتش مصر در جنگ شش‌روزه به سرعت کل توانایی نظامی خود را از دست داد اما غزه بیش از ۷۰ روز است که مقاومت کرده است. جنگ‌های چریکی و بازگیران غیردولتی در نبردهای غیرمتقارن این چنینی بیشتر می‌توانند مقاومت بکنند و توانایی بیشتری برای ضربه زدن دارند. انصارالله هم به‌عنوان یک بازگیر غیردولتی در حالت جنگ غیرمتقارن و چریکی قرار دارد. به همین دلیل انصارالله می‌تواند آسیب بیشتری به اسرائیل بزند، در شرایطی که چیز کمتری برای از دست دادن دارد. باید توجه داشت که موضع کشورها بعد از گذشت دو ماه از جنگ غزه به تدریج از لحاظ روانی در حال تغییر است. الان کشورهایی مثل عربستان سعودی و امارات متحده عربی که علیه اخوان المسلمین می‌جنگیدند و حماس را هم به‌عنوان شاخه‌ای از اخوان المسلمین می‌دانستند، چه‌درموضع‌اعلانی‌و چه‌در اقدامات عملی، نسبت به گذشته بسیار متفاوت عمل می‌کنند. این تحول ناشی از افکار عمومی کشورهای عربی است. به نظر من مهم‌ترین اقدام این است که این فشار افکار عمومی برای حمایت از فلسطین باید حفظ شود تا دولت‌های اسلامی و عربی و حتی دولت‌های دیگر تحت تأثیر فشار افکار عمومی قرار بگیرند و در عملکردها تغییر ایجاد کنند. اما این راه نباید فراموش کرد که هر کشوری مشکلات خاص خودش را دارد، حالا چه مصر، چه عربستان سعودی و چه جمهوری اسلامی ایران، هر یک شرایط خاص خودشان را دارند. اما در شرایط کنونی، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با طرف‌ها و عملکرد دقیق از مردم فلسطین حمایت کنند. مثلاً مواضع اردن در میان کشورهای عربی قابل توجه است. اردن همواره به دلیل سازش با اسرائیل مورد انتقاد بود، ولی الان موضع‌گیری‌های بسیار قابل‌قبولی در مورد وضعیت فلسطین انجام می‌دهد، حتی مواضع عربستان سعودی و امارات متحده عربی هم تاکنون تا حدی قابل قبول بوده و البته قطر هم بسیار کمک‌کننده بود. قطر از ابتدا موضع‌گیری خوبی داشت و الان هم شبکه تلویزیونی الجزیره قطر برای آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی در خصوص وضعیت غزه به جهانیان بسیار خوب عمل کرده است، چه شبکه عربی الجزیره و چه شبکه انگلیسی‌زبان این مجموعه رسانه‌ای افکار عمومی دنیا را نسبت به فلسطینیان تغییر داده است و خبرنگاران این شبکه واقعاً فداکاری می‌کنند، چراکه اسرائیل برای جلوگیری از

## دیپلمات‌ها



### هشدار به اسرائیل

امیرسعید ایرانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد، در نشست شورای امنیت سازمان ملل پیرامون «وضعیت خاورمیانه: (سوریه)» گفت: «رژیم اسرائیل به موازات جنایات در نوار غزه، به تروریسم و تجاوز در مرزهای سوریه می‌پردازد و عمداً غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی را هدف قرار می‌دهد.» به گزارش ایسنا، نماینده ایران در سازمان ملل متحد با تأکید بر حق ذاتی جمهوری عربی سوریه براساس قوانین بین‌المللی، برای اتخاذ همه اقدامات لازم در پاسخ به حملات تروریستی و اقدامات تجاوزکارانه رژیم اسرائیل، تأکید کرد: «ما نسبت به هرگونه اقدام تحریک‌آمیز رژیم اسرائیل که می‌تواند بر صلح و امنیت منطقه تأثیر جدی بگذارد، هشدار می‌دهیم.» وی گفت: «ایران از شورای امنیت می‌خواهد که فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده رژیم اسرائیل و نقض شدید حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه را که تهدیدی برای صلح و ثبات در منطقه است، محکوم کند.» ایرانی تصریح کرد: «ایالات متحده مسئولیت کامل تجاوزات چنددهه‌ای خود را در کنار سایر جنایات و اقدامات غیرقانونی در منطقه ما برعهده دارد. ممانعت از انجام وظایف شورای امنیت براساس منشور برای برقراری آتش‌بس و توقف ماشین جنگی اسرائیل علیه مردم غزه برای بیش از دو ماه، به‌خوبی نشان می‌دهد چقدر آمریکا از سرریز تنش و صلح و امنیت در منطقه نگران است.»



### وزیر خارجه طالبان در تهران

ضیا احمد تکل، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان از سفر مولوی امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان به ایران خبر داد. گفته می‌شود متقی در رأس هیئتی به دعوت حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه کشورمان و به منظور شرکت در همایش «مشورتی عالی‌رتبه سیاسی در موضوع فلسطین» عازم تهران شده است. این همایش با ابتکار وزارت خارجه ایران در مورد مردم فلسطین و تأمین امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی آنها، در تهران و با حضور مقامات کشورهای مختلف برگزار می‌شود.

## ادامه سر مقاله

برخی تحلیل‌گران معتقدند که روسیه نمی‌تواند شریک راهبردی ایران باشد. شاید در جهان دوقطبی پیش از ۱۹۹۰ چنین شرانکتی قابل تصور بود، ولی اکنون وارد شدن شرانکت راهبردی به سختی قابل تصور است. اصولاً با سیاست‌های موجود تهران هیچ کشوری نمی‌تواند شریک راهبردی تلقی شود. بنابراین ضمن آنکه با روس‌ها باید بهترین روابط را داشت، ولی در تعامل دوجانبه نباید تصور و انتظارات راهبردی از آنان داشت و در نتیجه دلیلی ندارد که در سطح مزبور وارد رابطه شد. ایران نیز متقابلاً به دلایل گوناگون نمی‌تواند شریک راهبردی برای روسیه باشد. روس‌ها نیازمند دور زدن غرب و مقابله با آن از طریق چین، هند، برزیل و سایر قدرت‌های منطقه‌ای مثل اعراب هستند و برای این کار از هر برگی که می‌توانند استفاده می‌کنند. روس‌ها حتی برای تحقق این هدف خود در مواضع منطقه‌ای به‌ویژه نسبت به اسرائیل نیز تغییرات جدی داده‌اند. طبیعی است که با ایران نیز همین برخورد را خواهند کرد. البته اسرائیل به دلیل روابطش با غرب و حتی وجود سنت یهودی قدرتمند در روسیه و روس‌ها، چندان نگران این تغییر موضع آنان نیست. بنابراین در مجموع مشکل روابط ما با روسیه بیش از آنکه ناشی از سیاست‌های آنان باشد، متأثر از انتظارات نامتعارف ما از آنان است؛ انتظاراتی که با قدرت ما در این روابط جور در نمی‌آید. مهم‌تر اینکه سایر روابط خود به‌ویژه با اروپا و آمریکا را غیرقابل انعطاف کرده‌ایم و قدرت بازی با روس‌ها و هر کشور دیگری را از دست داده‌ایم. پس خودکرده را تدبیر نیست. به جای اعتراض به روس‌ها، ابزارهای سیاسی و قدرت خود را افزایش داده و متنوع و انعطاف‌پذیر نماییم.



می‌خواهد بین توافق یکن و برنامه تنش‌زدایی با جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو و گسترش همکاری‌ها با غرب و ناتو از سوی دیگر تعادل ایجاد کند؟ آیا اصولاً ندوم گفت‌وگوهای دو کشور توسعه جدی مناسبات در حوزه‌های مختلف را در پی خواهد داشت یا اینکه بازگشایی سفارتخانه‌ها و تحرکات دیپلماتیک در یک اشل محدود و تاکتیکی تعریف شده و بیشتر جنبه رفع تهدید برای عربستان داشته و از سویی صرفاً با هدف تضمین امنیت انرژی و اقتصادی برای قدرت‌هایی چون چین دنبال می‌شود؟ تردیدی نیست که ناتو اخیراً تحولات منطقه را با حساسیت بیشتری دنبال می‌کند. شاید بتوان تحرکات حوثی‌ها و حملات پی‌درپی به کشتی‌ها به دنبال جنگ غزه را یکی از دلایل سفر اخیر استولتنبرگ به ریاض دانست اما در یک افق وسیع‌تر انتصاب گروهی از کارشناسان مستقل توسط دبیرکل به منظور بازنگری رویکرد ناتو نسبت به «همسایگان جنوبی» در منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و منطقه ساحل با هدف ارائه پیشنهادات مشخص برای نشست آتی سران سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در سال ۲۰۲۴ (در جریان نشست امسال در ویلنیوس)، نشان از یک برنامه‌ریزی درازمدت برای توسعه مناسبات

یافته و همکاری‌ها در حوزه‌هایی چون «امنیت دریایی» و «آزادی دریانوردی» توسعه پیدا کند. استولتنبرگ از وزیر دفاع عربستان دعوت کرد اوایل سال آینده میلادی به بروکسل سفر نموده و از ستاد ناتو دیدار کند که دعوت وی از جانب طرف عربستانی پذیرفته شد. اظهارات عالی‌ترین مقام ناتو در جمع فرماندهان نظامی عربستان با این مضمون که با توجه به چالش‌هایی چون «ایران» و «نقش بی‌ثبات» کننده‌اش در منطقه، ظرفیت همکاری بالایی برای طرفین وجود دارد، این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که عربستان چگونه